

۱۳۹۵۶۶۷

بررسی وزن شعر ایرانی

ژبلر لازار

ترجمه
لیلا ضامنی



انتشارات هرمس



انتشارات هرمس

تیران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، بعد از برج نگار، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

بررسی وزن شعر ایرانی

ژیلبر لازار

ترجمه: لیلا ضیامجیدی

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰

باپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

Lazard, Gilbert

سرشناسه: لازار، ژیلبر

عنوان و نام پدیدآور: بررسی وزن شعر ایرانی / ژیلبر لازار، ترجمه لیلا ضیامجیدی.

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۴۳ ص: جدول، نمودار.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۳-۹۷۱-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان اصلی: Et sur Versification dans les langues Irano Aryennes

Aryennes

یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: شعر فارسی - تاریخ و نقد

موضوع: عروض فارسی

شناسه افزوده: ضیامجیدی، لیلا، ۱۳۶۲ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ پ ۴ ل ۲ / PIR۳۵۴۸

رده‌بندی دیویی: ۸۱۱ / ۰۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۲۰۹۳

فهرست

۱	یادداشت: تلف بر ترجمه فارسی
۳	مقدمه و ترجمه
	بخش نخست: وزن شعر در زبان‌های ایرانی باستان
۱۵	۱. ساخت و وزن در یشت‌های اوستا
۳۳	۲. وزن اوستای متناوب
	بخش دوم: وزن شعر در زبان‌های ایرانی میانه
۵۷	۳. وزن شعر پارتی
۹۹	۴. وزن شعر در زبان پارتی و میراث باستان
۱۱۵	۵. فن شعر در یک سروده مانوی در زبان پارسی
۱۲۹	۶. فن شعر در زبان‌های ایرانی میانه غربی
۱۳۷	۷. وزن درخت آسوریگ
۱۵۳	۸. فن شعر در یک شعر پهلوی
۱۶۷	۹. باز هم فن شعر پهلوی
	بخش سوم: وزن شعر در زبان‌های ایرانی نو
۱۸۵	۱۰. دو شعر فارسی از سنت پهلوی
۱۹۱	۱۱. آهوی کوهی ... آهوی ابوحنیفه سفدی و خاستگاه‌های رباعی
۲۰۷	۱۲. وزن حماسی بلوچی و خاستگاه‌های وزن متقارب
۲۲۵	۱۳. فن شعر فروغ فرخزاد
۲۴۱	نمایه نام‌ها و عنوان‌ها

یادداشت مؤلف بر ترجمه فارسی

کتاب پیش رو شامل مجموعه مقالاتی است که با دقت و توجه خانم لیلا ضیامجیدی از زبان فرانسه به فارسی ترجمه شده است. این مقالات درباره فنون شعر در زبان‌های ایرانی است، که در طول سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۰۷ منتشر کرده‌ام. مهم‌ترین مسئله برای من در این مقالات بحث درباره ارتباط میان شعر (شفاهی) در ایران پیش از اسلام و درختان نر، دوره شعر کلاسیک فارسی بوده است. در اکثر این مقالات (از مقاله سوم تا دوازدهم) به شبهه‌های گوناگون به این موضوع پرداخته‌ام.

امروزه ما از شعر پیش از اسلام، که احتمالاً بسیار نثری نیز بوده است، و نیز از اشعار رایج در دوره پارت‌ها و ساسانیان اطلاعات اندک داریم. سنت خاطره و شهرت خنیاگران پارتی را حفظ کرده است و نطعاتی نیز از اشعار مذهبی مانویان به زبان پارتی و فارسی میانه یافته شده است. مای فقه‌الله بخش‌هایی از اشعار موجود در متون پهلوی را به اصل پارتی آن‌ها برگردانده‌اند، و از سوی دیگر ابیاتی نیز به صورت اتفاقی در برخی نقل قول‌های موجود (در کتاب کهن و غیره ضبط شده که به دست ما رسیده است).

قواعد وزن شعر ایرانی پیش از اسلام کاملاً روشن نیست، ولی متخصصان بر سر اینکه این فن شعر بر اساس تکرار تکیه‌ها به وجود می‌آید اتفاق نظر دارند. بنابراین شعر ایران پیش از اسلام شعری تکیه‌ای است.

در شعر فارسی، که نخستین شواهد آن به قرن نهم میلادی / سوم هجری بازمی‌گردد، وزن شعر به شکل سنتی در چارچوب نظریه‌ای توصیف می‌شود که خلیل بن احمد برای شعر عربی به دست داده است. در واقع، شعر فارسی و شعر

عربی نظام وزنی مشترکی دارند، که بر کمیت (بلندی یا کوتاهی) هجاها استوار است. بنابراین، این دو سنت شعری اصول مشترکی در وزن دارند. با این حال، این دو نظام قطعاً متفاوت هستند؛ رایج‌ترین اوزان در فارسی با اوزان رایج در شعر عربی یکسان نیستند و این تعجب‌آور نیست، چرا که این دو زبان نظام‌های واجی متفاوتی دارند. تمام نظام‌های وزن شعر نظام‌هایی مصنوع هستند؛ بدین معنی که به گونه‌ای از زبان طبیعی متمایز می‌شوند. اما ضرباهنگ آن‌ها لزوماً شبیه ضرباهنگ زبان‌های طبیعی است. نظام واجی زبان فارسی تفاوت کمی با نظام واجی فارسی میانه دارد، و آن نظام نیز به نوبه خود بسیار به نظام واجی پارسی نزدیک است. از این رو، ضرباهنگ‌های طبیعی گفتار در زبان فارسی نیز می‌بایست در طی این هزاران سال کمابیش همان ضرباهنگ‌های زبان در پیش از اسلام بوده باشند. بنابراین، چنین نتیجه می‌گیریم که وزن در شعر فارسی کلاسیک می‌بایست به گونه‌ای مشابه وزن شعر در کهن‌ترین زبان‌های ایرانی باشد. به نظر می‌رسد که در واقع ویژگی‌های مشترکی بین وزن شعر برای پارسی، فارسی میانه، و وزن کمی شعر فارسی کلاسیک وجود دارد. بر این مبنای منطقی امکان دستیابی به تشابهات موجود در توزیع ضرب‌های قوی را در برخی اوزان خاص پیش از اسلام و انواع خاصی از اشعار فارسی فراهم می‌کند. بدین ترتیب، مشخص می‌شود که وزن رباعی، وزن مقارب، و برخی دیگر از اوزان شعر فارسی حاصل تحول برخی اوزان شعری پیش از اسلام بوده‌اند.

این کشف‌ها باعث آشکار شدن وابستگی میان وزن شعری در ایران باستان و در شعر شکوهمند فارسی [کلاسیک] شده‌اند، و این خود نمونه‌ای دیدی از تداوم تمدن ایرانی در دوران باستان، قرون میانه، و عصر جدید است. از خانم لیلا ضیا مجیدی تشکر می‌کنم که زحمت ترجمه این مقالات را به فارسی متحمل شده‌اند، تا بدین ترتیب این مطالب برای دیگر هموطنانشان نیز قابل استفاده باشد.

ژیلبر لازار

پاریس، دسامبر ۲۰۱۳

مقدمه مترجم

کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است که پروفیسور لازار، زبان‌شناس و ایران‌شناس برجسته فرانسوی در زمینه وزن اشعار ایرانی در طی تقریباً چهل سال نوشته و در نشریات و کتب گوناگون چاپ شده‌اند. این مقالات، گرچه با موضوع واحدی و تحت یک عنوان مشترک (Etlm) بررسی فن شعر در زبان‌های ایرانی-آریایی) چاپ شده‌اند، پیش از این در کتاب مجلی گرد نیامده بودند.

از این رو، در اینجا جهت حفظ انسجام کتاب و ارتباط موضوعی مقالات با هم، ترتیب مقالات را با توجه به موضوع و سبک زبانی اشعار ایرانی مورد بررسی تنظیم کرده‌ایم. در انتهای هر مقاله نیز مشخصات چاپ مقاله و سال و محل نشر آن آمده است.

لازار، همچنان که در یادداشت خود نیز اشاره می‌کند، در این مقاله‌ها کوشیده است نشان دهد پیشینه وزن عروضی شعر فارسی در شعر پیش از اسلام زبان‌های ایرانی (یا به گفته خود وی ایرانی-آریایی) نهفته است، نه ضرورتاً یک ریشه مشترک شعر عربی؛ آن‌گونه که در اغلب منابع مربوط به شعر عروضی فارسی یاد شده است. جا داشت در مقدمه چنین اثر تحقیقی بررسی سیر مطالعات وزن شعر فارسی و پژوهش‌های اخیر در این زمینه نیز بیاید. ولی خوشبختانه با آثار اخیر که از استاد مرحوم ابوالحسن نجفی چاپ شده است، و آثار بعدی که به زودی چاپ خواهند شد و نیز تحقیقات اخیر که در وزن شعر انجام و چاپ شده است (نظیر مقالاتی که در دو هم‌اندیشی وزن شعر فارسی ارائه و در مجموعه مقالات این هم‌اندیشی‌ها

منتشر شده است)^۱، مترجم صلاح دید اطالعه کلام نکند و بنابراین در اینجا فقط به توضیح مختصری از هر یک مقالات بسنده شده است:

در مقاله اول، «ساخت و وزن در یشت‌های اوستا»، نویسنده، پس از ذکر فرضیه‌های مختلفی که در خصوص وزن یشت‌های اوستا مطرح شده است، به بررسی یشت سیزدهم، که کلنز (۱۹۷۵) آن را تصحیح کرده، پرداخته است. در این مقاله، لازار با دو تقسیم‌بندی متفاوت، یکی صوری و دیگری محتوایی، به مطالعه نسبت تعداد مصرع‌های هشت‌هجایی و میزان کهن یا متأخر بودن مصرع‌ها پرداخته است. نویسنده عنوان می‌کند که شعر مزبور احتمالاً قدمت سه‌هزارساله دارد و می‌تواند فردی را نشان دهد که این شعر احتمالاً به زبانی کمابیش باستانی‌تر سروده شده و در طول زمان، و قبل از دست زردشتیان رسیده، دستخوش یک انطباق زبانی شده است و از این رو بر سر اهدک آن نیز تا حدی دستخوش تغییر شده است. بنابراین می‌توان گفت وزن اشعار این یشت با آنچه در مقاله دوم، «وزن اوستای متأخر»، عنوان شده است همانندی بسیاری دارد.

نویسنده در مقاله درم با عنوان «وزن اوستای متأخر»، پس از ذکر پیشینه مطالعات پژوهشگران دیگر در خصوص وزن این اشعار و توضیحی که در مورد ماهیت آن ارائه داده‌اند، به مطالعه این اشعار می‌پردازد. وی به پیروی از هنینگ، که وزن این اشعار را مانند وزن اشعار پارسی‌ایرانی میانه غربی دانسته است، آن‌ها را با دو قطعه شعر مانوی به زبان پارسی که مری‌پیس آن‌ها را تصحیح کرده است و نیز با شعر درخت آسورینگ مقایسه می‌کند. نویسنده با بررسی ماری، به مطالعه توزیع انواع مصرع‌ها در این اشعار پرداخته و نتیجه گرفته است که توزیع هجایی مصرع در اشعار اوستای متأخر با وزن شعر پارسی و فارسی میانه تفاوت دارد و این تفاوت در نتیجه تحولی است که زبان فارسی در گذار از ایرانی باستان به ایرانی میانه از سر گذرانده است، و بنابراین وزن تکیه‌ای ایرانی میانه غربی با وزن اوستای متأخر یکی نیست. مقاله سوم متنی مفصل و بسیار مهم در مورد وزن شعر پارسی است. لازار در این مقاله دو قطعه شعر مانوی به نام‌های هویدگمان و انگدروشان را، که به زبان پارسی

۱. وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز (انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰)

وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز - ۲ (انتشارات هرمس، ۱۳۹۴)

سروده شده‌اند و مری بویس (۱۹۵۴) آنها را تصحیح کرده است، به تفصیل بررسی و تحلیل کرده است. در این تحلیل، هجاها و الگوی تکیه‌ای اشعار بررسی شده‌اند و محدودیت‌هایی نیز که بر پایه‌های وزنی در این اشعار حاکم است بیان شده‌اند. نظامی که لازار برای وزن شعر پارتی در این مقاله ارائه داده به این صورت است که بیت الزاماً به دو مصرع تقسیم می‌شود، مصرع به دو نیم مصرع و نیم مصرع نیز خود به دو پایه. قواعدی نیز در این میان ناظر بر محدودیت هجاها و شکل‌گیری پایه‌ها هستند. وزن شعر بر اساس تکرار ضرباواها (تکیه‌های وزنی) است؛ در هر پایه یک ضرباوا دارد. ضرباوا روی هجای سنگین قرار می‌گیرد و تعداد هجاها سنگین در هر پایه محدود است.

بر اساس تحلیل که لازار از پایه‌های وزن شعر پارتی در این مقاله ارائه داده است، شباهت‌هایی میان وزن این اشعار و وزن متقارب، هزج، رمل، رجز و ... در شعر فارسی کلاسیک وجود دارد.

مقاله چهارم «وزن شعر در زبان پارتی و میراث پارسی آن»، آخرین مقاله‌ای که لازار در این موضوع نوشته است، بر ادوات مقولات قبل با بررسی آماری پایه‌ها شباهت‌های موجود میان وزن شعر پارتی و وزن کاربرد شعر کلاسیک فارسی را نشان می‌دهد. یک قالب کلی برای نمونه مصراع در شعر پارتی ارائه می‌دهد و شباهت آن را با زنجیره‌های مفاعیلن، فاعلاتن، فعلاتن و ... نشان می‌دهد که در پرکاربردترین اوزان شعر فارسی دیده می‌شوند، اثبات می‌کند.

مقاله پنجم، با عنوان «فن شعر در یک سروده مانوی به زبان پارتی»، به بررسی شعر «نفس زنده» می‌پردازد، که سروده‌ای مذهبی است که هنینگ بویس بر روی آن کار کرده بودند. پس از بررسی و تحلیل این شعر، لازار به شباهت وزن این شعر و وزن متقارب سالم، از اوزان شعر کلاسیک فارسی، پی برده است که در اشعار غیرروایی کاربرد دارد.

مقاله ششم، که در اینجا با عنوان «فن شعر در زبان‌های ایرانی میانه غربی» آمده، در اصل با عنوان «دو مسئله از زبان‌شناسی ایرانی» چاپ شده است؛ این مقاله شامل دو بخش است: در بخش اول به ساخت مجهول در افعال گذرای کامل و در بخش دوم به فن شعر در زبان‌های ایرانی میانه غربی پرداخته شده است. به دلیل حفظ یکدستی موضوع کتاب، در اینجا فقط بخش دوم مقاله را، که به موضوع وزن شعر

اختصاص دارد، آورده‌ایم، که در آن نویسنده، با بیان پیشینه‌ای از سه پژوهش مشهور بنویست درباره وزن شعر پهلوی و تأثیر این مطالعات بر پژوهش‌های بعدی در این حوزه داشته است، به بیان نکته بسیار مهمی در حوزه وزن اشعار ایرانی میانه غربی می‌پردازد. وی اشاره می‌کند به اینکه بنویست در مقاله درخت آسوریگ (۱۹۳۰) تکیه را، که ممیزه وزنی در این اشعار است، در طول شعر علامت‌گذاری کرده است؛ در حالی که تکیه‌های وزنی، که وی در طول شعر مشخص کرده است، ارتباطی به تکیه واژگانی ندارند. درواقع، لازار می‌گوید این هم یکی از شواهدی است که ما را به سمت کشف ارتباط بین وزن شعر کلاسیک فارسی و وزن ایرانی میانه غربی سوق می‌دهد. در هر دو این اشعار تکیه واژگانی تأثیرگذار نیست. علاوه بر این، به زعم نویسنده، رهبان احتمالی که بنویست میان شعر ایرانی میانه غربی و اشعار عامیانه ایرانی مطرح کرد است، رنخی قابل توجه و قابل پیگیری است که می‌بایست به آن پرداخته شود.

در مقاله هفتم با عنوان «وزن درخت آسوریگ»، لازار به بررسی شعر درخت آسوریگ پرداخته است - به زبان پارسی نگاشته شده و در دستنویس‌های پهلوی به صورت نثر معرفی شده است. پس از لازار، بنویست آن را به صورت شعر معرفی کرده است و همین‌نگ نیز به آن پرداخته است. لازار در این مقاله پس از بررسی شعر و پرداختن به جزئیات آن، به شباهت وزن آن و وزن رمل سالم و هزج سالم پی برده است. با اینکه هزج و رمل از جمله پرکاربردترین وزن در شعر فارسی کلاسیک هستند، ولی عموماً به صورت مقصور یا محذوف به کار می‌روند. ولی آنچه قابل توجه است شباهت میان ساخت وزنی این شعر با وزن پرکاربرد در فارسی نو است. مقاله هشتم، «فن شعر در یک شعر پهلوی»، به مطالعه یک شعر پهلوی با عنوان «قطعه‌ای در ستایش خرد» اختصاص داده شده است، که تفصیلی (۱۹۷۲) و شاکد (۱۹۷۰) به آن پرداخته‌اند. لازار، با تعیین کمیت هجاها و نیز جایگاه تکیه‌های وزنی در این شعر، به مطالعه این موضوع می‌پردازد که آیا قواعدی که در مورد وزن شعر پارسی یافته است (ر.ک. مقاله ششم) در مورد اشعار پهلوی نیز صادق است. به نظر می‌رسد این قواعد باید در دو زبان خواهر، که نظام آوایی تقریباً یکسانی دارند، کاربرد داشته باشند. وی نیز همچون بنویست و اوتاس اعتقاد دارد که وزن شعر فارسی کلاسیک متأثر از سنت‌های پیش از اسلام در شعر پارسی بوده است و

بنابراین، علاوه بر اینکه نشان می‌دهد در این اشعار نیز اثراتی از شعر ایرانی پیش از اسلام وجود دارد و قواعد مشابهی بر آن‌ها حاکم است، شباهت این اشعار و شعر فارسی کلاسیک را نیز توضیح می‌دهد: در واقع، وزن این شعر پهلوی تا حدود زیادی مشابه وزن متقارب در شعر کلاسیک فارسی است. این شعر نیز همانند «دو شعر فارسی از سنت پهلوی» (ر.ک. مقاله دهم) هم به لحاظ صورت و هم به لحاظ محتوا دوره‌گذاری بین اشعار پهلوی و شعرهای تعلیمی فارسی برقرار می‌کند.

در مقاله دهم، «باز هم فن شعر پهلوی»، لازار به بررسی یک قطعه شعر پهلوی می‌پردازد، که پیش از آن شاکد در مقاله‌ای به آن پرداخته بود. همان‌طور که لازار در مقالات دیگر این مجموعه نیز عنوان کرده است، از فارسی میانه تا فارسی نو زبان دچار تحولات آبیایی عظیمی نشده است و آنچه اتفاق افتاده تنها حجم وسیع واژگانی است که زبان فارسی از عربی وام گرفته است. بنابراین، ضرباهنگ‌های طبیعی زبان نیز نمی‌بایست دستخوش تحول بزرگی شده باشند. از این رو، لازار در جست‌وجوی یافتن شباهت‌هایی است که شعر پهلوی با شعر فارسی کلاسیک دارد و در این مقاله به شباهت‌های وزن شعر صورت برداری با گونه‌ای از هزج دست می‌یابد، که چند تن از پیشگامان شعر فارسی به آن وزن شعر سروده‌اند.

در مقاله دهم با عنوان «دو شعر فارسی از سنت پهلوی»، لازار به بررسی دو شعر فارسی، که در کتاب تحفة الملوک ابی حفص اصفهانی آمده، پرداخته است. مطلع این دو شعر به ترتیب «سکندر همی گشت کرد جهان/ به روزگار، شب سخت بسته میان» و «تو از کار کیخسرو اندازه گیر/ کهن گشته کار جهان تازه گیر» است. این دو شعر به وزن متقارب سروده شده‌اند و وزن آن‌ها تقریباً صحیح است، اما اینکه بی‌قاعدگی‌هایی هم در آن دیده می‌شود. غرابت این دو شعر در قافیه‌ها دیده می‌شود. تمام مصرع‌ها در این دو شعر هم قافیه هستند. این دو قطعه شعر از دو منظر، کیب و کیفیت قافیه‌ها خارج از سنت شعری فارسی، که از نیمه دوم قرن سوم رواج پیدا کرده، هستند؛ در حالی که شواهد نشان از کهن بودن آن‌ها دارد. در اشعار پهلوی هم که وزن تکیه‌ای دارند، گاهی اشعار مقفا دیده شده است. در واقع، می‌توان گفت اشعار پهلوی مزبور صورت بینابینی هستند بین شعر ایرانی میانه‌با وزن تکیه‌ای فاقد قافیه و شعر کلاسیک با وزن عروضی و مقفا. اهمیت این اشعار در این است که می‌توانند گواهی بر پیوستاری بودن شعر پهلوی و شعر کلاسیک فارسی باشند.